

کاری از میرانکا

# دکتر العی

ملکہ العی با پاپائری  
بجور العی



کاری از میرانکا 😎

منتظر نابودی  
ارتش  
امپراتوری  
میمونم

ولی تو دوبار به  
استراتژی هام  
پی بردی،  
نبردی؟

نمیر

به زودی  
همو دوباره  
می بینیم



Queen with  
A  
Scalpel

女王的手術刀

ادیتور: lelouch

مترجم: Mehrnaz

کاری از تیم

miranka



ممنون،  
دکتر!



اون عمل خیلی  
جسورانه بود،  
مادام

همیشه خودتون  
و تنهایی تو خطر  
میندازید؟



متاسفانم،  
پروفسور

لطفاً دفعه بعد که  
خواستید یه جراحی  
انجام بدید منو خبر  
کنید

باشه، همینکارو  
میکنم

خیلی خطرناک بود



وقتی شما در خطر بودید، عالیجناب خیلی عصبانی بودن

انقدر بهم ریخته بود که میخواست فوراً بیاد جولوتونو بگیره



با این وجود، اینکارو نکرد چون نگران بود شوکه شید و در حین جراحی یه بلایی سر خودتون بیارید

تماشای عالیجناب همه‌مون و خیلی مضطرب کرده بود



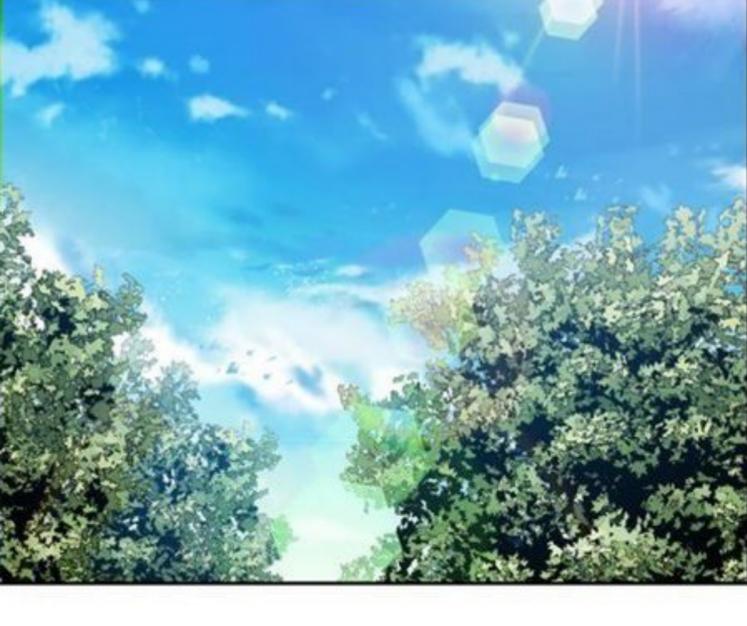
.....



HAAH

باید به بیمار  
و بینم

لطفاً منو ببر  
پیشتون



تلاش در خلا



WHAM

آخ!

مادام!

حالتون خوبه؟!

جی

فکر کنم  
اخیرا سرتون  
خیلی شلوغ  
شده

نه، منظورم اینه،  
همیشه زیاد از  
خودتون کار  
میکشید، ولی....

من خوبم

مینون  
که نگرانم  
بودی



جدیدا چه  
فکری با  
خودش می‌کنه؟



انگار که یه  
چیزی داره  
تعقیبش می‌کنه

احساس  
می‌کنم داره  
زیاده روی  
می‌کنه...



سر هنگ  
کلارنس،

شاهزاده وارد  
بیمارستان  
شدن



اومده بیماری  
و ملاقات  
کنه؟

بله



.....

پس لطفاً از  
دکتر گراهام  
بخواه تا اطراف  
و بهش نشون  
بدن



شخصاً  
راهنماییشون  
نمی کنید؟

الان باید به  
مریض و چک  
کنم



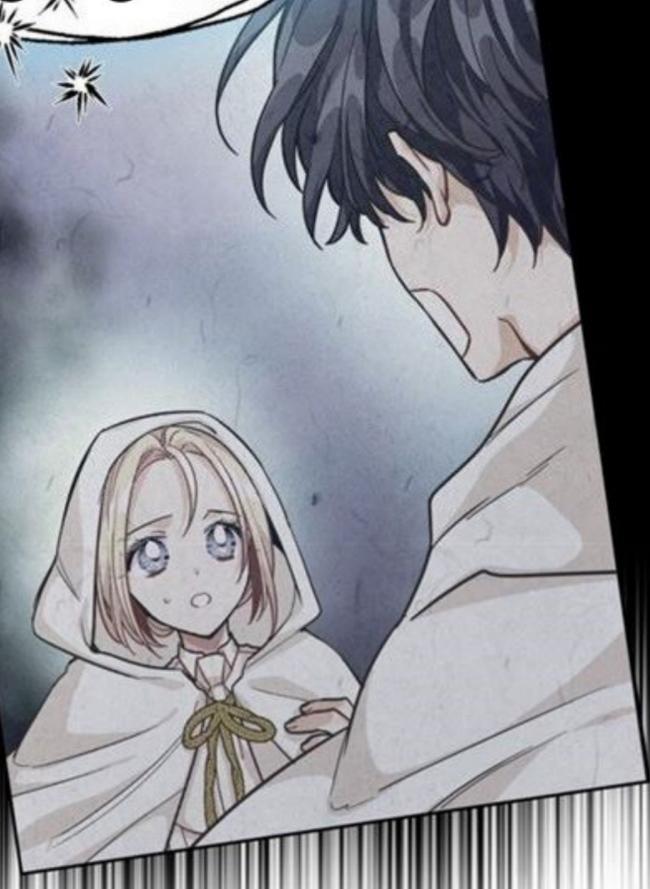
وقتی لبخند  
میزنی خیلی  
زیبا میشی



تولدت  
مبارک. متاسفم که  
نمیتونیم درست  
جشن بگیریم



اگر اشتباهی  
بشه و آسیب  
بینی چی؟!



BL  
COMICS



و بعد منو  
از پشت  
بغل کرد

چرا انقدر  
مهربونه؟



مهم تر از اون،  
من نتونستم  
حتی پیشش  
بزنم

منو از پشت  
بغل کرد، ولی  
ما حتی ازدواج  
هم نکردیم،

و قولش و که  
گفته بود حتی یه  
انگشتش بهم  
نمیخوره و  
شکست

البته، من باید ازش  
دوری میکردم ولی  
اینکارو  
نکردم... چرا؟

ازش بدم  
نیومد

HAHH...

THUD



بعد از اینکه  
هوای سرد منو  
از پا در آورد

نمیتونم باور کنم  
از اینکه منو نگه  
داشته بود بدم  
نیومد....

چرا جدیدا  
انقدر مهربون  
شده؟؟

... امکان  
نداره



من حقیقت و  
میدونم. فقط دارم  
انکارش میکنم

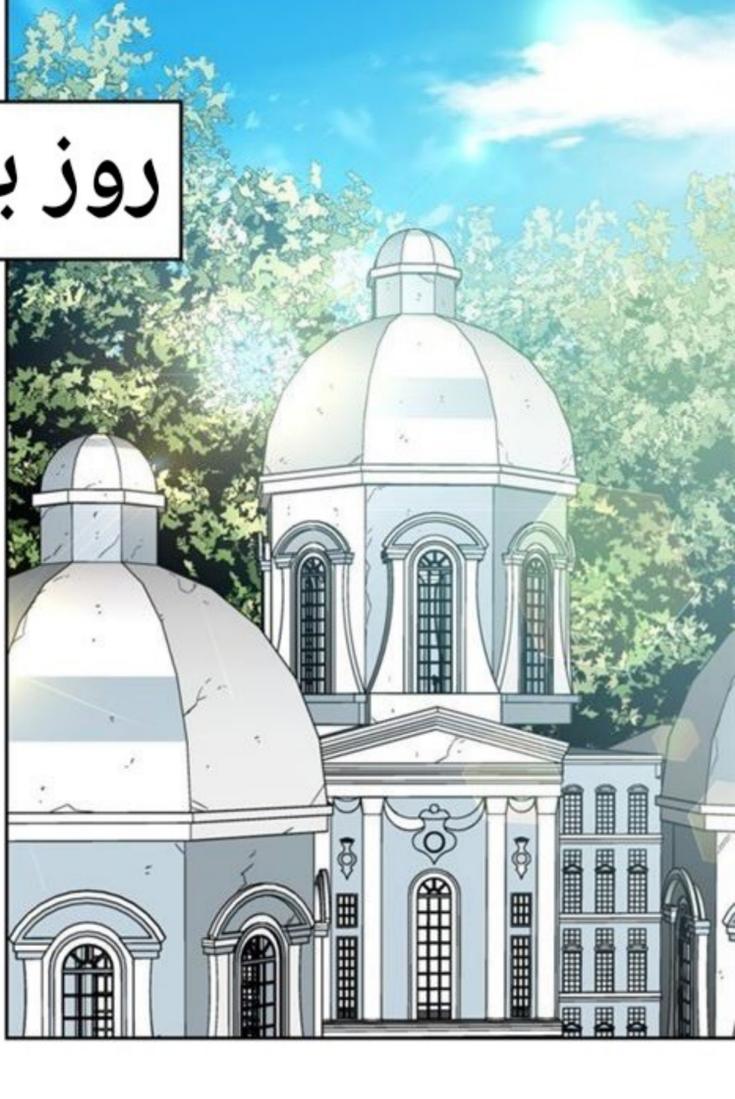
یا کشیده

دوباره داره گیجم  
میکنه. این درست  
مثل زندگی قبلیمه

دوباره همون اتفاق  
قراره بیفته؟

من  
میترسم...

روز بعد



لیزه! حالت  
چطوره؟

برادرم  
اذیت کرد؟



میل؟ اینجا  
چیکار  
میکنی؟





اوه، چیز خاصی نیست. ولی فکر کنم سرما خوردم

سرما خوردگی اونم تو؟



آره. سردمه، و سرفه میکنم



اون سرما خورده؟

اون از یه شخص معمولی قوی تره، چطور میتونه سرما بخوره؟

فکر کنم به این خاطره که زمستون تو شبه جزیره کریم خیلی طولانیه



میخواستم فقط پیام بینمت، پس لطفا یکم دارو یا یچی بهم بده

یه چیزی  
درست نیست...



فکر کنم  
باید کامل  
معاینه بشی

تیم ۳۹.۳  
درجست؟



اشتباه  
نشده؟

نمیتونم اجازه  
بدم بری. باید  
بستری شی



ها؟ چجور  
سرماخوردگی  
مجبورت می کنه  
بستری بشی؟

برخلاف تیم  
کاملا احساس  
خوبی دارم

حتی اگر قوی ترین  
شوالیه در جهان  
باشی، یه  
سرماخوردگی بازم  
یه سرماخوردگیه

لازم نیست خیلی  
اینجا بمونی، فقط تا  
وقتی خوب شدی

آره، میدونم. ولی  
لیزه، نگرانی،  
درسته؟

آ آره، ولی  
قضیه اینه که...

عالی... مادام....

میدونید... خوب  
نیست اگر من بجای  
شما مراقب  
عالیجناب باشم؟

ها؟

منظورم اینه  
که... مادام  
همیشه سرشون  
شلوغه،

برای همین فکر  
کردم مفید خواهد  
بود اگر من حواسم  
به سرما  
خوردگیشون باشه



خب پس تو  
هم یکی از  
طرفدارای میل  
بودی



خلدین  
خلدین

باشه، پس  
می سپارمش  
به تو

خیلی ممنونم،  
مادام!

اگرچه، اگر  
مشکلی پیش  
اومد، باید سریعا  
به من خبر بدی

بله مادام!

برای مردم اینجا،  
ماجراجویی های میل  
در کینگ در دوره سه  
ساله ی گشت و  
گزارش افسانن

شاهکار های  
بزرگش تمجید  
مردم کینگ و  
به همراه داشت

خانواده امپراتوری  
کینگ حتی یه نشان  
قدردانی برای  
خانواده سلطنتی  
فرستادن

ماجراجویی های میل  
توسط چند نمایشنامه  
نویس نوشته شدن. اون  
ها برنامه های تفریحی  
مشهوری در لندن هستن

به لطف اون، کلی  
آدم جوون  
طرفدارشن

لطفاً مراقب  
من باشید...  
اسمتون...

جیه؟

**کاشش!**

بله! تمام تلاشم و  
میکنم!



کجا باید  
برم؟

جی هنوز جوونه



خب که  
چی؟!!

چرا این حرف وزدی؟! او چرا  
اینطوری نگاه می کنی؟

فقط دارم میگم،  
هنوز جوونه



۳۸.۵  
درجه؟!!



جی! حالت  
خوبه؟! کی این  
اتفاق افتاد!؟

AH...



خیلی نگران  
نباشید، مادام

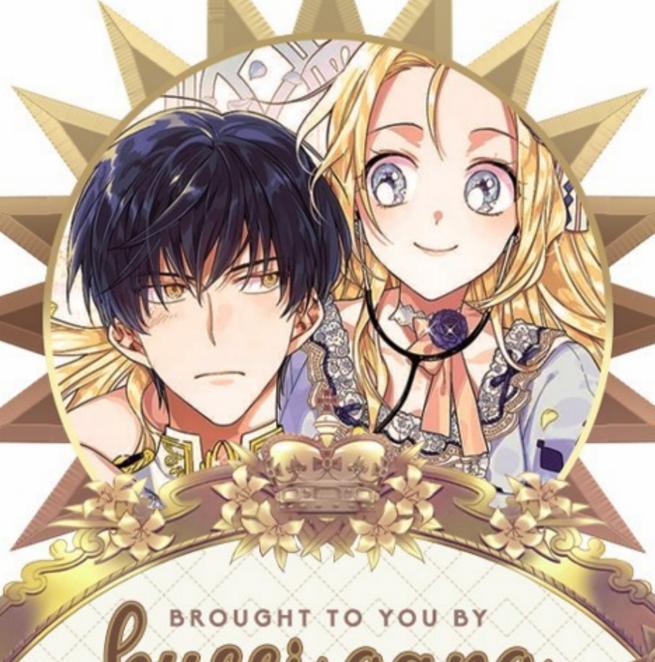
تقریباً از صبح.  
سرفه میکردم  
پس انگاری  
سرماخوردگیه



از صبح  
اینجوری  
بودی؟

سرفه با  
تب بالا؟

انگار یه چیز  
خیلی مهم و  
فراموش کردم



BROUGHT TO YOU BY  
*bucci gang*

RAW PROVIDER ◆ ZIAN  
TRANSLATOR ◆ ZIAN  
PROOFREADER ◆ RAN  
CLEANER ◆ ZIAN  
REDRAWER ◆ TIFFU & SALMON  
TYPESETTER ◆ DI  
QUALITY CHECKER ◆ SALMON

PLEASE SUPPORT THE OFFICIAL RELEASE  
WHEN IT BECOMES AVAILABLE TO YOU!

CREDITS PAGE BY SALMON

*To Be Continued*

  
kidari STUDIO  
(주) 키다리아엔티